

ادامه از صفحه ۷

برندگان ادامه چالش ایران و آمریکا

در مراحل پایانی و اجرایی ما با یک دوراهی جدی مواجه خواهیم شد و باید این نکته را هم در نظر بگیریم که فاز پایانی کار دو مرحله موافقت و اجرا دارد و در بخش اجرا قطعاً فازبندی خواهیم داشت. همچنین علیه ایران دو دسته تحریم وضع شده، یکی دستورالعمل‌های اجرایی رییس‌جمهوری که شامل تصمیم‌های روسای جمهوری سابق و اوپاما می‌شود و یک دسته قوانین کنگره آمریکا. کنگره آمریکا شامل دو بخش است، یکی مجلس نمایندگان و دیگری مجلس سنا. کنگره قوانینی علیه ایران گذرانده، البته مساله فقط قوانین نیست. طرفداران اسرائیل با زیرکی خیلی از دستورالعمل‌های اجرایی علیه ایران را به قانون تبدیل کرده‌اند تا بتوانند بر رفتار و اعمال رییس‌جمهوری نظارت کنند. اوپاما می‌تواند با «waiver»ها و برنامه‌های زمانی سم‌هاه یا شش‌ماهه نسبت به تعلیق تحریرها اقدام کند. او می‌تواند در پایان مذاکره بر سر این مساله قول دهد. اما اینکه آیا ما این را می‌پذیریم یا نه؟ بسیار تعیین‌کننده است. این لحظه از توافق را می‌شود «پیچ» خواند چرا که همه چیز واقعاً پیچیده و نفسگیر می‌شود. اوپاما می‌خواهد با کنگره دربیفتد اما اینکه واکنش ایران به مواضع اوپاما و کنگره چه باشد؟ سوال اصلی است. به نظر من بخش از کار آخرین «پیچ» واقعی است. اگر اوپاما نتواند از پس کنگره برآید شرایط برای ما دشوار خواهد شد. چرا که معلوم نیست در دولت بعدی باز همین «waiver»ها و فرصت‌ها فراهم باشد.

۱۱ **ما** **با** **هر** **شکل** **بخش** **عصدهای** **از** **تحریم‌های** **هسته‌ای** **حسب** **آنچه** **در** **تفاهم** **موقت** **آمده** **بر** **اساس** **زمان** **بندی** **مشخص** **بر** **داشتنه** **خواهد** **شد**؟
ببینید در تفاهم موقت آمده که تحریم‌های مربوط به هسته‌ای برداشته خواهند شد اما بخشی از تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران وجه هسته‌ای ندارد. تحریم‌های هسته‌ای بر اساس جدول زمان‌بندی برداشته خواهد شد. اما وضعیت برخی تحریم‌های -اغلب غیر هسته‌ای- پیچیده است و تشخیص اینکه این تحریم به خاطر مسایل هسته‌ای بوده یا مسایل دیگر کار سختی است. یعنی قوانین تحریمی علیه ایران گذرانده شده که فهم هسته‌ای بودن یا غیرهسته‌ای بودن آن دشوار است.

۱۲ **اجازه** **دهید** **کمی** **به** **گذشته** **بر** **گردیم** **و** **ببینیم** **که** **تیم** **هسته‌ای** **دولت** **ام‌حمود** **احمدی** **نژاد**، **با** **مهم‌ترین** **پرونده** **دیپلماتیک** **کشور** **چه** **کرده**، **ارزیابی** **تان** **از** **فعالیت** **تیم** **هسته‌ای** **مذاکره** **کننده** **در** **سال‌های** **گذشته** **چیس**؟

متأسفانه در دوران دولت آقای احمدی‌نژاد مهم‌ترین پرونده کشور را دست تیمی دادند که تجربه دیپلماسی و حضور در این نوع مذاکرات را نداشت. نمی‌شود مهم‌ترین پرونده هسته‌ای را دست تیمی داد که تجربه مذاکره در پرونده‌هایی در این سطح را نداشته متأسفانه دیدیم که مذاکره‌کننده‌های ارشد تیم گذشته کنار گذاشته شدند. از سوی دیگر تیم هسته‌ای ما از دانش روز دیپلماسی جهانی بهره‌مند نبود و در این زمینه تجربه کافی نداشت. به طور کلی سپردن پرونده به این افراد با این شرایط اشتباه و اشتباه دیگر کنارگذاشتن افراد متخصص از تیم هسته‌ای در دوره گذشته بود.

۱۳ **از** **تیم** **احمدی‌نژاد** **که** **بگذریم**، **چه** **فهمی** **به** **تیم‌های** **پیشین** **هسته‌ای** **دارید**، **مثلا** **همان** **زمان** **که** **آقای** **ظریف** **هم** **در** **تیم** **مذاکره** **کننده** **به** **رهبری** **حسن** **روحانی** **بود**؟

نقد من تنها مقطوف به دوره احمدی‌نژاد نمی‌شود، حتی در دوره آقای خاتمی هم نقطه ضعفهایی وجود داشت. چنانچه اگرنت تیم مذاکره‌کننده، سازمان‌مندی بوده و عمدتاً به حقوق بین‌الملل مسلط بودند، آن موقع هم در تیم هسته‌ای افرادی که دانش روابط بین‌الملل و امنیت‌بین‌الملل بداندند، نداشتیم.

اما ضعف تیم جلیلی کلی‌تر بود. وقتی تحریم‌ها را

کافذ یاره می‌خوانند، نمی‌دانستند همین ساده‌گیری‌ها

فرذا به بحرانی ملی تبدیل شده و برداشتن هر کدام

از تحریم‌های وضع‌شده زمان و انرژی مادی و معنوی

فرلوانی می‌برد. آنها متأسفانه همه چیز را ساده‌انگاری

کردند.

۱۴ **تفاوت** **نهایی** **شدن** **توافق** **در** **این** **دور** **یا** **به** **دور**

دوم **کشیده** **شدن** **آن** **در** **چیست**؟

واقعیت اینکه ما زیر فشار مستقیم به‌مشخصه امیدوار ۲۰ جولای توافق انجام شود. شش ماه بعد، ایران در شرایط بدتری خواهد بود اما طرف مقابل ما آنچنان زیر فشار نیست. دلوپاسان داخلی ما ابعاد اقتصادی امروز جامعه را فراموش کرده‌اند. از یاد برداند که به دلیل برخی سهل‌انگاری‌ها ما امروز در چه شرایطی هستیم. آمریکا بازه زمانی‌ای را برای اطرطری کرده بود که در آن برای طرف ایرانی ریسک بالا و برای خودش ریسک پایینی وجود داشت. ما در آن شرایط به سمت این توافق رفتیم. آمریکا زیر فشار کمتری است. بنابراین امیدوار مذاکرات در همان دور نخست، نتیجه‌بخش باشد. نکته کلیدی اینکه طرف مقابل نباید به این جمع‌بندی برسد که ما مستاصل هستیم. یعنی نه روایت استیصال باشد و نه روایت گل و بلبل.

شرق: پسر نوجوان که به خونخواهی برادرش مرتکب قتل شده بود با رضایت اولیای‌دم و پرداخت دیه از قصاص نجات پیدا کرد و به‌لحاظ جنبه عمومی جرم محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، نماینده داستان در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد در توضیح کیفرخواست گفت: «متهم که پرهام نام دارد، در سال ۹۰ با واردکردن ضربات چاقو به چند جوان افغان باعث مجروح‌شدن دونفر و قتل یکنفر دیگر شد. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف و انگیزه خود را خونخواهی از برادرش عنوان کرد. وی بعد از بازداشت برای محاکمه به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده و بعد از محاکمه به قصاص محکوم شد. خانواده پرهام در جلسات صلح و سازش موفق به جلب رضایت اولیای‌دم شدند و با پرداخت دیه از وی اعلام گذشت شد. بنابراین به‌عنوان نماینده داستان تهران با توجه به بیم تجری و جنبه عمومی جرم درخواست صدور حکم قانونی را دارم.»

در ادامه متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: «اتهام را قبول دارم البته قصدم این نبود کسی را بکشم اما در آن لحظه خیلی عصبانی بودم و نتوانستم خودم را کنترل کنم» متهم درساره روز حادثه گفت: «آن روز به من گفتند برادرم چاقو خورده و در بیمارستان است. او برای انجام کاری به پارک رفته بود.

برادرم چاقو خورده و در بیمارستان است. او برای انجام کاری به پارک رفته بود.

شرق: مردی که جوانی را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بود وقتی در جایگاه متهم قرار گرفت مدعی شد مقتول قصد داشت تلفن همراه او را سرقت کند. به گزارش خبرنگار ما، جلسه رسیدگی به این پرونده صبح دیروز در شعبه۷۴ دادگاه کیفری استان تهران با تشریح کیفرخواست توسط نماینده داستان تهران آغاز شد. وی گفت: «پرونده قتل جوانی به نام میثاق ۲۴تیر سال ۸۹ با شکایت اولیای‌دم او تشکیل و در تحقیقات ماموران مشخص شد عاملان قتل دونفر به نام‌های مهرداد و هاشم هستند که بعد از واردآوردن ضربات متعدد چاقو به مقتول از محل متواری شده‌اند. ماموران ابتدا هاشم را بازداشت کردند و در بازجویی از او متوجه شدند مهرداد نیز سب‌ضربه بر بدن مجبوی وارد کرده که ضربات کشنده نیز همان ضربات است. ماموران مخفیگاه مهرداد را یک‌ماه بعد شناسایی و او را بازداشت کردند. مهرداد به واردآوردن ضربات کشنده اعتراف و جزئیات قتل را نیز تشریح کرد. وی همچنین چندروز قبل از این قتل با جوان دیگری به نام سعید در گیر شده و او را نیز مجروح کرده بود

مدیرکل آموزش‌وپرورش شهر تهران در پی انتشار خبری در روزنامه «شرق» توضیحاتی را ارائه داده است. متن جوابیه و پاسخ «شرق» در ذیل آمده است:

پیرو خبر مندرج در صفحه ۱۲ روزنامه «شرق» مورخ ۹۳/۱۲/۱۲ تحت عنوان (معلم ورزش متهم به آزار دانش آموزانداره کل آموزش‌وپرورش شهر تهران ضمن تکذیب خبر فوق در آن روزنامه بر اساس بررسی‌های بعمل‌آمده موارد ذیل را به اطلاع می‌رساند. بنابراین، شایسته است جهت تنویر افکارعمومی و برپاسد شعار امانتداری و اخلاقی‌مداری ضمن تذکار تبصره ۳ ماده ۲۳ قانون مطبوعات و قانون اصلاح ماده (۱) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن (مصوب ۱۳۸۸/۸/۱۳) سریعاً نسبت به درج این جوابیه در همان قسمت روزنامه اقدام شود. در ضمن این اداره کل به علت اینکه خبر فوق باعث خنده‌خندارشدن حیثیت معلمین و زیرسوال‌پردن خدمات شایسته آنان گردیده حق پیگیری حقوقی و شکایت از آن نشریه را برای خود محفوظ می‌داند.

۱- فرد مورد اشاره در متن خبر به‌عنوان مدیر باشگاه پاس تهران اویژگان به شماره ثبت ۲۸۹۱۰ در تاریخ ۹۳/۴/۱ با والدین ۱۴نفر از متقاضیان، جهت شرکت در تمرینات فوتبال در دفترخانه‌های اسناد رسمی تهران اقدام به عقد قرارداد می‌نماید. بر اساس مفاد این قرارداد که با عنوان هیات فوتبال استان تهران تنظیم شده است والدین رسماً رضایت خود را جهت شرکت فرزندانشان در تمرینات باشگاهی و بازی‌های رسمی و دوستانه و نیز شرکت در اردوها و مسافرت‌های دسته‌جمعی به نامبرده اعلام می‌نمایند.

۲- پس از انعقاد این قرارداد از تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ لغایت ۱۳۹۳/۴/۹ نامبرده به‌همراه افراد مذکور با مشایعت اولیا آنها از محل باشگاه ورزشی حضرت ابوالفضل(ع) (مجموعه فرهنگی ورزشی وابسته به شهرداری منطقه ۱۵) به شهرستان کندوان واقع در استان آذربایجان شرقی عزیمت می‌نماید، گفتنی است هزینه این سفر بالغ بر ۲۵۰هزار تومان به ازای هر نفر از اولیای دانش آموزان دریافت شده است.

۳- افسران اعزامی پس از برگزاری مسابقه با یکی از تیم‌های محلی شهرستان مذکور و باخت به آن تیم از ناحیه مری مربوطه مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند.

۴- افرادی که به‌عنوان اعضای تیم یاد شده از دانش آموزان مدارس مختلف مناطق ۱۴ و ۱۵ بوده‌اند به‌منظور گذراندن اوقات فراغت جذب باشگاه مذکور شده‌اند و مدارس هیچ‌گونه دخالتی در برگزاری دوره ورزشی و اعزام نیرو و هر گونه دخالت دیگری در این زمینه نداشته‌اند، علاوه بر آن مجوز باشگاه و محل تمرین باشگاه نیز متعلق به سایر نهادهای فرهنگی و اجتماعی بوده است. به‌طور کلی نةنتها فرد موردنظر معلم آموزش‌وپرورش نبوده است، بلکه فضا و مجوز فعالیت باشگاه را هیچ‌گونه ارتباطی با آموزش‌وپرورش نداشته است و انتصاب معلم ورزشی به وی

حوادث

قتل به خونخواهی برادر

متهم بعد از رضایت اولیای دم به‌دلیل جنبه عمومی جرم محاکمه شد

بلافاصله خودم را به بیمارستان رساندم پدرم هم آنجا بود. در همان لحظه به ما گفتند برادرم فوت شده و پزشکان نتوانسته‌اند کاری برای او انجام دهند. او از من بزرگ‌تر بود و چون یک برادر بیشتر نداشتم، این غم برایم خیلی سنگین بود. آنقدر ناراحت بودم که قادر به کنترل کارهای خودم نبودم. وقتی پرسیدم چه شده و چرا او را با چاقو زده‌اند به من گفتند او با چندنفر درگیر شده بود. به پارکی که برادرم رفته بود رفتم تا بتوانم کسی که او را زده پیدا کنم. گفته بودند برادرم را فردی افغان کشته است. وقتی وارد پارک شدم پرسیدم چه کسی برادرم را زده است شاهدان گفتند او با چند افغان که روی صندلی نشسته‌اند درگیر شد و آنها او را زدند. من به سمتشان حمله کردم چاقو داشتم و خیلی عصبی و داغدار بودم گفتم چه کسی او را زده به من پوزخند زدند و گفتند نمی‌دانند وقتی من را خیلی عصبی دیدند و متوجه شدند قصد زدن دارم گفتند رحیم برادرت را زد. درگیری شدت گرفت و من چاقو را در هوا چرخاندم و چندنفر را که به دفاع از رحیم آمده بودند زدم و بعد هم ضربه‌ای به همان جوان افغان زدم. ماموران پارک پلیس را خبر کرده بودند و همان لحظه بازداشت شدم» متهم گفت: «در تحقیقاتی که از شاهدان انجام شد آنها تأیید کردند ضارب برادرم واقعاً رحیم بود من به اشتباه کسی را نزدم اما اشتباهم

متهم به قتل ادعا کرد

درگیری مرگبار به‌خاطر گوشی تلفن همراه



که آن شکایت نیز در پرونده موجود است. بنابراین با توجه به شکایت اولیای‌دم، مدارک موجود در پرونده و گفته‌های شهود درخواست صدور حکم قانونی را دارم.» در ادامه پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند و درخواست صدور حکم قصاص کردند. پدر

مقتول در پاسخ به توصیه قضات به گذشت گفت: «مهراد فرزندم را کشته است و باید قصاص شود» سپس سعید در جایگاه قرار گرفت. او گفت: «چندروز قبل از حادثه شب‌هنگام من و دوستم جلو در خانه ایستاده بودیم که مهرداد به سمتم آمد و گفت چرا مدل موهابت این شکلی است بعد با قمه حمله کرد

جوابیه آموزش‌وپرورش به یک گزارش و پاسخ «شرق»

متهم: «معلم» بود یا نه

روزنامه از نحوه اطلاع‌رسانی در خبر مذکور، موضوع را از طریق مراجع قضایی پیگیری و نتیجه را به افکار عمومی منعکس خواهد کرد.

پاسخ شرق

نخست اینکه این پرونده همان‌طور که مسوولان آموزش‌وپرورش تهران اطلاع دارند و در گزارش قبلی روزنامه «شرق» نیز ذکر شده بود، در شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران در حال رسیدگی است؛ بنابراین نمی‌توان وجود چنین پرونده‌ای و محتویات آن را تکذیب کرد و روزنامه را مورد اتهام قرار داد. ضمن اینکه موضوع پرونده برخلاف بند (۳) جوابیه صرفاً «تنبیه بدنی» نیست زیرا همان‌طور که همگان اطلاع دارند طبق قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و همچنین سایر مقررات مربوطه فقط پرونده‌هایی به محاکم کیفری استان رجاع می‌شود که عنوان اتهامی آن مجازات‌های قصاص، اعدام، رجم، صلب و حبس ابد را در پی داشته باشد البته ممکن است متهم در پایان رسیدگی تبرئه یا محکوم شود.

در این پرونده نیز همان‌گونه که در گزارش پیشین اشاره شده بود، پزشکی قانونی وقوع تجاوز جنسی را درخصوص شکایان پرونده، رد کرده است. اما محدودسازی محتوای پرونده به «تنبیه بدنی» هم منطبق با واقعیت نیست. درخصوص اینکه متهم این پرونده مدعی بر مری باشگاهی ورزشی بوده، باید خاطرنشان کرد که خبر روزنامه «شرق» نیز به این موضوع اشاره شده و آمده بود وی مری فوتبال و دارای کارت‌های مربوطه است. همچنین اگر گزارش قبلی با دقت مطالعه می‌شد حتماً آن بخش از مطلب که در آن قید شده اتهامات مطرح‌به به اعمال متهم خارج از مدرسه مربوط می‌شود مورد توجه قرار می‌گرفت. در آن گزارش به نقل از یکی از شکایان آمده است: «... در سالی که (متهم) کار می‌کرد؛ ثبت‌نام کردیم و تمرین‌های حرفه‌ای انجام می‌شد»... همچنین بحث به اردو بردن دانش آموزان نیز در گزارش قبلی «شرق» مطرح شده بود اما آشنایی اولیه وی با دانش آموزان در محیط مدرسه شکل گرفته است. نکته حائز اهمیت در این جوابیه درخواست شغل متهم است. در بند «ا» جوابیه پذیرفته شده متهم به صورت «پاره‌وقت» در یکی از مدارس فعالیت داشت که این اشاره نقض‌کننده بند «۴» جوابیه است. ضمن اینکه پدر یکی از شکات در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» تأکید دارد

متهم به‌عنوان معلم در مدرسه پسرش مشغول به کار بود و خود او معلم را در مدرسه حین تمرین دادن بچه‌ها دیده و به همین دلیل به وی اعتماد کرده و فرزندش را برای آموزش نزد وی ثبت‌نام کرده است. متن ضبط‌شده این گفت‌وگو

اینجا بود که او را به دست قاتون ندادم. زمانی که این اتفاق افتاد، ۱۷سال بیشتر نداشتم و به‌خاطر وابستگی شدیدی که به برادرم داشتم نتوانستم احساساتم را کنترل کنم. خیلی عصبی بودم. خانواده‌ام به‌خاطر کاری که کردم تاوان سنگینی دادند هم برادرم از دست رفت و هم من به زندان افتادم. خانواده رحیم درخواست قصاص کرده بودند. برای اینکه راضی به گذشت شوند پدرم ۱۵۰میلیون تومان به آنها پول داد ضمن اینکه دیه کسانی را که مجروح شده بودند، پرداخت کرد. سه‌سال طول کشید تا بتوانیم رضایت بگیریم و من در این سه‌سال روزهای سختی را گذراندم. درخواست دارم با توجه به اعلام گذشت اولیای‌دم و هزینه سنگینی که خودم و خانواده‌ام پرداخت کردیم طوری در مورد حکم صادر کنید که بتوانم آزاد شوم و دوباره به زندگی برگردم. متهم در پاسخ به این سوال که اگر یکبار دیگر با کسی دعوا کند چه عکس‌عملی نشان خواهد داد، گفت: «من هیچ‌وقت با خودم چاقو حمل نمی‌کردم، آن روز هم به خانه رفتم و چاقو برداشتم ضمن اینکه قول می‌دهم دیگر چاقو یا خودم حمل نکنم. اگر مشکلی هم از این به‌بعد پیش بیاید از طریق قانون پیگیری خواهم کرد.» بنابر این گزارش هیات قضات بعد از پایان جلسه برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

اینجا بود که او را به دست قاتون ندادم. زمانی که این اتفاق افتاد، ۱۷سال بیشتر نداشتم و به‌خاطر وابستگی شدیدی که به برادرم داشتم نتوانستم احساساتم را کنترل کنم. خیلی عصبی بودم. خانواده‌ام به‌خاطر کاری که کردم تاوان سنگینی دادند هم برادرم از دست رفت و هم من به زندان افتادم. خانواده

کرد گوشی را بگیرم من با او درگیر شدم و سه ضربه بیشتر زدم، ضربات دیگر را هاشم به او زد اما گفتند ضرباتی که من بر بدنش وارد کردم کشنده بود.» متهم که سوابق متعدد کیفری هم دارد گفت: «بیشتر این سابقه‌ها به‌خاطر درگیری است اما آن روز واقعاً قسمد این بود اجازه ندهم مقتول گوشی‌ام را از من بگیرد. آن گوشی تقریباً ۵۰۰هزار تومان ارزش داشت و من اگر احتمال می‌دادم چنین اتفاقی خواهد افتاد مقاومت نمی‌کردم.» وی ادامه داد: «بعد از اینکه ضربات را وارد کردیم من فرار کردم نمی‌دانستم میثاق جان باخته و فکر می‌کردم فقط زخمی شده است. اول به شمال و بعد هم به مشهد رفتم و در آنجا بازداشت شدم. وضعیت روحی خوبی ندارم و بیشتر از این به یاد نمی‌آورم و هر چه در جلسات قبل گفته‌ام را قبول دارم.» مهرداد در آخرین‌دفاع گفت: «از کارم پشیمان هستم و درخواست بخشش دارم.»

سپس متهم ردیف دوم در جایگاه حاضر شد و جزئیات درگیری را توضیح داد. در پایان هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

اینجا بود که او را به دست قاتون ندادم. زمانی که این اتفاق افتاد، ۱۷سال بیشتر نداشتم و به‌خاطر وابستگی شدیدی که به برادرم داشتم نتوانستم احساساتم را کنترل کنم. خیلی عصبی بودم. خانواده‌ام به‌خاطر کاری که کردم تاوان سنگینی دادند هم برادرم از دست رفت و هم من به زندان افتادم. خانواده

که سطر پایانی بند «۵» را نقض می‌کنند، در دفتر روزنامه موجود است. در جوابیه آمده است در هیچ‌یک از اظهارات اولیای دانش‌آموزان تاکنون اسمی از معلم و مدرسه ذکر نشده است. اگر مسوولان آموزش‌وپرورش وقت بیشتری را صرف پیگیری پرونده می‌کردند قطعاً متوجه می‌شدند ولی یکی از دانش‌آموزان به نام «ا» در شکایت خود به صراحت اعلام می‌کنند: «از آقای ... دبیر مدرسه ...» شکایت دارم.» ولی دانش‌آموز شاکي دیگری به نام «ب» نیز به صراحت اعلام کرده است: «از آقای ... معلم ورزش مدرسه ... شکایت دارم.» حال سوال اینجاست که اگر مسوولان مدرسه آموزش و پرورش شهر تهران از جزئیات پرونده آگاهی دارند به چه دلیل در پایان بند «ج» چنین مطلبی را مطرح کرده‌اند و اگر از جزئیات بی‌اطلاع هستند چرا عجلوا نه و قبل از تحقیق، جوابیه صادر کرده‌اند. آیا والدین دانش‌آموزان نیز آنطور که در جوابیه آمده است «جعل عنوان» کرده‌اند؟

موضوع بعدی نسبت‌دادن اتهام جعل عنوان به روزنامه «شرق» است. «جعل عنوان» جرمی است که شرایط وقوع و عناصر آن در قانون احصا شده است و نمی‌توان به‌سادگی این عنوان مجرمانه را به هر شخص حقیقی یا حقوقی نسبت داد. متهم این پرونده که همچنان در بازداشت به سر می‌برد به‌عنوان معلم حق‌التدریس یا بنا به اظهار خود آموزش‌وپرورش رابط ورزشی و به صورت «پاره‌وقت» در مدرسه مشغول به فعالیت بود. مدت فعالیت او کوتاه بود اما وی در همین دوران دانش‌آموزان را برای ثبت‌نام در باشگاه دعوت کرد. (پدر یکی از دانش‌آموزان نحوه عضوگیری در باشگاه را برای روزنامه «شرق» توضیح داده و همان‌طور که در بالا اشاره شد متن مکالمه موجود است.)

بی‌شک خطای این فرد را نباید به پای یک مجموعه نوشت و هر گز روا نیست زحمات قاطبه معلمان شریف و زحمتش نادیده گرفته شود؛ اما باید پذیرفت در هر سیستمی ممکن است خطاهای سوءاستفاده‌هایی توسط معدودی از خاطیان رخ دهد اما از مسوولان آموزش و پرورش هم انتظار می‌رود به جای کتمان واقعیت در این پرونده -ولو ناخواسته- و متهم‌کردن روزنامه ناشر جریان دادگاه و پرونده به «جعل عنوان» و دادن آدرس اشتباه -ولو غیرعمد- به وظیفه قانونی و اخلاقی خویش عمل کنند و حتی خود این وزارتخانه علیه خطایی شکایتی را مطرح نماید. همچنین شایسته‌است مسوولان وزارتخانه در این پرونده تمام جوانب را مدنظر قرار داده و از پسران کپس و سالی که به نحوی آسیب دیده‌اند؛ حمایت کنند و به صرف ادعای اقدام دانش‌آموزان و والدین در خارج از مدرسه، مسوولیت خویش درقبال این کودکان را فراموش نمی‌کردند. حساسیت آموزش و پرورش به تهیه توضیح، قابل تقدیر است اما کاش، اهمیت انطباق با واقعیت جوابیه و هم‌خوانی آن با محتوای پرونده هم توسط مسوولان این وزارتخانه کرد می‌شد تا افکار عمومی شاهد تکذبی ناستند نباشند.

رخداد

تایید حکم قصاص عامل قتل انتقام‌جویانه

• شرق: دیوانعالی کشور حکم قصاص مردی را که بعد از اعدام برادرش یکی از اعضای خانواده شاکي را به قتل رسانده بود مورد تأیید قرار داد. به گزارش خبرنگار ما متهم در جلسه رسیدگی به پرونده‌اش درباره جزئیات واقعه گفت: «برادرم چند سال قبل با شکایت خانواده پسری نوجوان بازداشت شد. این خانواده برادرم را متهم کردند که به پسر نوجوان تجاوز کرده است. با اینکه او منکر بود اما خانواده پسر نوجوان قبول نکردند رضایت بدهند. با توجه به مداری که دادگاه به آن استنداد کرد برادرم به اعدام محکوم شد. می‌خواستیم برای رضایت اقدام کنیم اما گفتند قایدهای ندارد تا اینکه برادر سالم ۹۰اعدام شد. داغ برادرم آنچنان بر دل مادرم نشست که هر هفته برای کم‌کردن غمش سرر قبر برادرم می‌رفت. مرگ او زندگی ما را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده بود. تصمیم گرفتم انتقام بگیرم تا خانواده آن نوجوان بفهمند چه بلایی سر ما آوردند. یک روز متوجه شدم کسی از اقوام پسر نوجوان فوت شده است و آنها به قبرستان رفته‌اند. فردای آن روز در جاده قبرستان یکی از اعضای خانواده پسر نوجوان را دیدم و با توجه به اینکه از قبل منتظر بودم، او را به قتل رساندم.» همدست متهم نیز در اظهارات خود گفت در جریان نبود متهم چه نقشه‌ای دارد. او گفت: متهم از من خواست او را سر قبر برادرش ببرم. من هم قبول کردم. در قبرستان ماشینی را دید و گفت سرعت را کم کن. من هم فکر کردم آشنایی ندارم. همه‌ضی اینکه به نزدیکی ماشین رسیدیم شلیک کرد و به من گفت گاز بده. من خیلی ترسیده بودم و نمی‌توانستم بایستم.» بعداز پایان جلسه رسیدگی هیات‌قضات وارد شور شدند و متهم ردیف اول را به قصاص و متهم ردیف دوم را به حبس محکوم کردند. رای صادره در شعبه هفت دیوانعالی کشور مورد تأیید قرار گرفت.

۳ کشته و ۱۷ مسموم در ساختمان مسکونی

• فارس: سمنفر به دلیل مسمومیت در ساختمانی مسکونی در بندرعباس جان باختند و ۱۷نفر مسموم شدند. به گزارش روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان هرمزگان این مسمومیت‌ها از ساعت ۱۲ بامداد ۱۵ تیرماه با مراجعه به بیمارستان‌های شهیدمحمدی، صاحب الزمان و کودکان گزارش شده است.مدیر مرکز اورژانس و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان در این‌باره گفت: «از ساعت ۱۲ شب تا صبح دیروز ۲۰ نفر با علایم تهوع، استفراغ، اسهال و دل‌پیچه و سرگیجه شدید به مرکز درمانی مراجعه کردند» فاطمه نوروزیان با اشاره به اینکه تیم واکنش سریع مرکز بهداشت شهرستان بندرعباس در این ماجرا مداخله کرد، اضافه کرد: «در بررسی‌های اولیه از مواد خوراکی و آب آشامیدنی بروز مسمومیت منتقل شده از آب و غذا منتفی است و بررسی‌ها در جنبه‌های دیگر ادامه دارد.» نوروزیان افزود: «در بررسی‌های اتجام‌شد احتمال مسمومیت با استنشاق گاز ناشی از قرص سبی در یکی از واحدهای مسکونی قوت گرفته است.» نوروزیان گفت: «بر اساس گزارش مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی استان هرمزگان در این حادثه، یک زن در محل فوت شد و یک نفر دیگر نیز در حین انتقال و کودک چهار ساله نیز در بیمارستان کودکان جان خود را از دست داد» وی ابراز کرد: در همان مراجعه نخست تمام اقدامات درمانی و تشخیصی در مراکز درمانی شهید محمدی، صاحب الزمان و کودکان بندرعباس انجام شده است و همه بیماران تحت مداوا هستند.

۲ کشته در پی واژگونی جرتقیل

• ایرنه:مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل دانشگاه شیراز اعلام کرد: دو کشته‌شده حادثه واژگونی جرتقیل ۵۰هکتی در پردیس ارم دانشگاه شیراز، دانشجو نبودند سیدضهره عظیمی‌فرد توضیح داد: حوالی ساعت ۹ صبح دیروز در واژگونی جرتقیل ۵۰هکتی در پردیس ارم دانشگاه شیراز، راننده جرتقیل و دانشجو جرتقیل جان باختند» وی اظهار کرد: اگرچه این جرتقیل به درختی تنومند در نزدیکی ایستگاه اتوبوس دانشجویان برخورد کرد ولی به هیچ‌کدام از دانشجویان و کارکنان دانشگاه شیراز آسیبی وارد نشد. به گفته شاهدان جرتقیل به درختی تنومند در نزدیکی ساختمان معاونت دانشجویی رخ داده است. شاهدان عینی گفتند راننده جرتقیل برای اینکه با دانشجویان برخورد نکند جرتقیل را به سمت درختی تنومند در نزدیکی ساختمان معاونت دانشجویی دانشگاه هدایت کرد که درآثر این برخورد، جرتقیل واژگون شد و راننده و سرنشین آن جان خود را از دست دادند. سرگرد صافق سلیمی، کارشناس راهنمایی و رانندگی حاضر در صحنه این اظهار کرد: دلیل اصلی این سانحه در دست بررسی است. کریم امیری، سر تیم گروه آتش‌نشانی و خدمات ایمنی هم گفت: هم‌زمان با وقوع حادثه، بیش از ۲۰ نفر از امدادگران این سازمان با تجهیزات لازم در محل حضور یافتند و به خدمت‌رسانی پرداختند. این جرتقیل از مجموعه بیرون دانشگاه برای بررسی اسانسورهای خوابگاه دانشجویی منتح در پردیس ارم حضور یافته بود.

قابل توجه مودیان محترم مالیاتی:

www.TAX.gov.ir
اظهار نامه الکترونیکی خود را ارسال و مالیات مربوطه را نیز پرداخت نمایید.

مرکز پاسخگویی فنی: ۳۵۰۸۷

۱۸۲۲ مرکز ارتباط مردمی سازمان امور مالیاتی کشور

سازمان امور مالیاتی کشور

م.الف.و.ف